



The Impact of Knowledge, Ignorance, and Forgetfulness on the Jurisprudential Rulings Concerning Mīqāt

Reza Haghpanah¹ | Seyed Mohammad Reza Ghasemian²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi Islamic Sciences University, Mashhad, Iran; Lecturer of Advanced Level of Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: haghpanah@razavi.ac.ir
2. Level Four, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: mohamadreza.ghasemian63@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 9 April 2025

Revised: 2 June 2025

Accepted: 21 July 2025

Available Online: 21 July 2025

Keywords:

Mīqāt, Knowledge ('Ilm), Ignorance (Jahl), Forgetfulness (Nisyān), Principles of Abandoning Ihram.

ABSTRACT

Olhram is one of the pillars of Umrah, Hajj al-Tamattu', and the obligatory Hajj. One of the major challenges is the abandonment of Ihram at the Mīqāt due to ignorance or forgetfulness. This article, using descriptive and analytical methods, addresses these challenges. The findings show that if a pilgrim knows where the Mīqāt is and deliberately abandons Ihram, their Umrah is invalidated. However, if Ihram is abandoned due to ignorance or forgetfulness, the pilgrim must return to the Mīqāt if possible, whether or not they have entered the sanctuary (haram). If returning is not possible and the pilgrim is outside the haram, they should assume Ihram from their current location. If inside the haram and intending to perform Umrah or Hajj al-Tamattu', they must exit the haram to assume Ihram. Otherwise, the pilgrim should assume Ihram from the closest point to the Mīqāt, and if that is not possible, from their current location. Regarding delay or abandonment of Ihram at the Mīqāt, two views exist: in the first, the pilgrim commits a sin by delaying Ihram but their Hajj remains valid; in the second, deliberate abandonment invalidates the Hajj for that year, and the pilgrim must repeat the Hajj if capable. If not capable (mustafī), repetition is not obligatory.

Cite this article: Haghpanah, R. (2024). The Impact of Knowledge, Ignorance, and Forgetfulness on the Jurisprudential Rulings Concerning Mīqāt. *Ibadah Fiqh Doctrines*, 4(7), 71-88. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.6930.1213>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

تأثیر علم، جهل و نسیان در احکام میقات

رضا حق‌پناه^۱ | سید محمدرضا قاسمیان^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد درس

خارج حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: haghpanah@razavi.ac.ir

۲. سطح چهار، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: mohamadrezahaseemian63@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ کلیدواژه‌ها: میقات، علم، جهل، نسیان، مبانی ترک احرام.	احرام یکی از ارکان عمره مفرده، عمره تمتع و حج واجب است و یکی از چالش‌های مهم، ترک احرام حج و عمره از میقات به دلیل جهل یا نسیان می‌باشد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این مسئله برآمده و به این نتیجه رسیده است که اگر عمره‌گزار بداند میقات کجاست و عالماً احرام را ترک کند، عمره‌اش باطل می‌شود؛ اما اگر از روی جهل یا نسیان احرام را ترک نماید، در صورتی که امکان بازگشت به میقات برای او وجود داشته باشد، باید برگردد، چه داخل حرم شده باشد یا نه. اگر امکان بازگشت ندارد، در صورتی که هنوز وارد حرم نشده است، باید از همان‌جا محرم شود و اگر داخل حرم است، چنانچه به اعمال عمره یا حج تمتع می‌رسد، باید از حرم خارج گردد و در غیر این صورت، از نزدیک‌ترین محل به میقات محرم شود. اگر این نیز مقدور نبود، از همان‌جا که متذکر شد، باید محرم شود. درباره تأخیر یا ترک احرام از میقات دو نظریه وجود دارد: بر اساس نظریه نخست، حج‌گزار به دلیل تأخیر در احرام از میقات از نظر تکلیفی مرتکب معصیت شده است، ولی از نظر وضعی حج او صحیح می‌باشد. در نظریه دوم، اگر احرام از میقات عمداً ترک شده و امکان احرام از خود میقات وجود نداشته باشد، حج آن سال باطل است و در صورت استطاعت، حج‌گزار باید آن را اعاده کند و اگر مستطیع نباشد، اعاده لازم نیست.

استناد: حق‌پناه، رضا. (۱۴۰۴). تأثیر علم، جهل و نسیان در احکام میقات. آموزه‌های فقه‌عبادی، ۴(۷)، ۷۱-۸۸.
<https://doi.org/10.30513/jwd.2025.6930.1213>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

حج یکی از فروع دین مبین اسلام و از واجباتی است که در کنار صلات و صوم، بارها در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته و از ارکان دین اسلام به شمار می‌آید. این فریضه الهی دارای اعمال و مناسک ویژه‌ای است که در انجام آن، حالات نفسانی انسان مانند علم، جهل و نسیان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در صحت یا بطلان اعمال داشته باشد. در این میان، مسئله میقات که برای ورود به مکه درباره آن احکام و دستورات خاصی از سوی شارع مقدس بیان شده است، از منظر علم، جهل و نسیان نسبت به احرام، جایگاه ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر، عبور از میقات از موضوعاتی است که در آن، آگاهی یا ناآگاهی و نیز فراموشی می‌تواند نوع حکم بسیاری از اعمال حاجی را مشخص کند؛ از این رو بررسی و تحقیق در این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است.

حاجی باید بداند که آغاز اعمال حج از چه زمان و مکانی باید باشد؛ آیا قبل از میقات، بعد از آن یا در زمان دیگری؟ بنابراین، دانستن این حکم (علم)، ندانستن آن (جهل) یا فراموش کردن آن (نسیان)، هریک تکلیف خاصی را برای حاجی مشخص می‌کند و بر صحت یا بطلان اعمال حج او تأثیر می‌گذارد. گرچه پیش‌تر در مورد هر یک از مفاهیم «علم»، «جهل» و «نسیان» به صورت مستقل پژوهش‌هایی انجام شده است^۱ و برخی نیز به احکام میقات پرداخته‌اند،^۲ اما تأثیر مجموعه این سه مفهوم بر احکام میقات به صورت اختصاصی، تاکنون در مقاله یا تألیف مستقلی بررسی نشده است. از این رو، پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری است.

۱. خالقی میران، سیده مرضیه، پایان‌نامه «بررسی مبانی و احکام فقهی نسیان در عبادات»؛ مهدوی، فاطمه، مقاله «تأثیر علم و جهل در عبادات، معاملات و احکام جزایی».

۲. رحمانی، محمد، مقاله «میقات»؛ اشجان، حمید باصی، «احکام المیقات فی الفقه الإسلامی، دراسة فقهیة».

۱. مفهوم‌شناسی علم، جهل و نسیان

«علم» به معنای دانستن و نقیض جهل است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۲). علم، بر اثری از شیء دلالت می‌کند که آن اثر، شیء را از غیر آن متمایز می‌سازد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۹) و در اصطلاح، علم اعتقاد قطعی مطابق با واقع است. حکما نیز علم را «حاصل شدن صورت شیء در عقل» تعریف کرده‌اند (جرجانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۰). مقصود از علم در این نوشتار، عملی است که بر اساس اختیار و قصد فاعل انجام شود و هیچ‌گونه جبر یا اکراهی در آن نباشد؛ یعنی عملی که به طور عمد از فرد صادر می‌شود.

«جهل» نقیض علم است و دو معنا دارد: نخست، خلاف علم؛ و دوم، به معنای خفت و خواری، در مقابل طمأنینه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۵۴). جهل انواعی دارد؛ از جمله جهل قصوری و تقصیری، و جهل بسیط و مرکب. آنچه در اینجا مورد نظر است، جهل مرکب می‌باشد؛ یعنی حالتی که فرد حکم مسئله را نمی‌داند.

«نسیان» از ریشه «نسی» به معنای فراموش کردن چیزی است که پیش‌تر در یاد بوده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۰۴). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وهرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر آور» (کهف: ۲۴).^۱ نسیان - به کسرنون - ضد ذکر و حفظ، و عبارت است از از یاد بردن چیزی که در ذهن انسان ثبت شده، اما بر اثر ضعف حافظه و غفلت یا حتی از روی قصد و عمد، از خاطر زدوده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۲۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۲۸).

۲. معنای میقات

«میقات» از ریشه «وقت» به معنای زمان یا مکان انجام کاری است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۶۹؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۲). در اصطلاح فقها، میقات به اماکن

۱. ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾.

هفت گانه‌ای گفته می‌شود که حاجی با گفتن تلبیه از آن‌ها اعمال عمره را آغاز می‌کند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۳۷۹). این موافقت هفت گانه با حدود خاصی تعیین شده‌اند و حاجی باید اعمال خود را دقیقاً از میقات آغاز نماید، نه قبل و نه بعد از آن. به همین دلیل، علم، جهل و نسیان در احکام میقات نقشی تعیین کننده دارند؛ به گونه‌ای که اگر فرد با علم و آگاهی، پیش از رسیدن به میقات یا پس از عبور از آن محرم شود، احرام او باطل و در نتیجه حج او نیز باطل خواهد بود (محمود عبدالرحمان، جبی تا: ۳، ص ۳۷۴).

۳. راه‌های تشخیص میقات

به فرموده فقها (یزدی، جبی تا: ۲، ص ۳۹۷؛ لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۴۷؛ گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۲۶)، برای تشخیص میقات چهار راه وجود دارد: اهل آن منطقه بودن (علم)، شهادت، بینة و شیاع (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۴). در صورت نداشتن علم به این موارد، میقات با بینة شرعی یا شیاع اطمینان بخش ثابت می‌شود، و در صورت نبود بینة و شیاع، با گفته اهل اطلاع که موجب حصول گمان باشد، احرام می‌گردد. بنابراین، اگر حاجی بخواهد از مکانی که هنوز ثابت نشده جزء میقات است محرم شود، باید احرام را به تأخیر اندازد تا یقین به ورود در میقات پیدا کند (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۱۰؛ تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۹۳).

براین اساس، با علم و اطمینان به میقات، محرم شدن عمدی (بدون عذر یا نذر) پیش از رسیدن یا پس از عبور از آن، مجزی نیست (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۶) و تنها در صورت وجود عذر، صحیح است (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۲۰). در مورد جاهل به حکم و موضوع که از غیر میقات محرم شود، صحت چنین احرامی محل خلاف است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۵۰) و همین حکم در مورد کسی که از روی غفلت یا نسیان از میقات محرم نشود، جاری است (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۲۹).

۴. حکم اعمال حج تمتع بدون احرام

اگر حج گزار احرام را فراموش کند و اعمال حج مانند وقوف در عرفات یا منا، یا

تأثیر علم، جهل و نسیان در احکام میقات / رضا حق پناه ۷۶

اعمال عمره تمتع را انجام دهد و پس از پایان اعمال حج تمتع به یاد آورد، از نظر فقها حج او محکوم به صحت است و نیازی به قضا ندارد. دلیل بر صحت حج بدون احرام دوروایت است:

(الف) صحیحہ علی بن جعفر که هر چند مربوط به جهل است، ولی چون موضوع آن شخص معذور است، شامل ناسی نیز می شود.

(ب) مرسله جمیل که به اطلاق خود شامل حج و عمره می شود و بر صحت حج تمتع بدون احرام دلالت دارد.

بنابراین، حج تمتع در صورت نسیان و فراموشی، به طور قطع صحیح است؛ اما در مورد عمره مفرد و عمره تمتع، هر چند احتمال صحت وجود دارد، با توجه به این که وقت آن ها موسع است، بطلان آن ها خالی از قوت نیست.

۵. علم و عمد در ترک احرام حج تمتع

احرام از ارکان حج است که ترک عمدی آن موجب بطلان حج می شود. میقات حج تمتع، خود شهر مکه مکرمه است (گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۸۸) و احکام ویژه ای دارد که باید بدان توجه شود.

اگر حاجی با علم و عمد، بدون احرام از مکه عبور کند، واجب است به مکه بازگردد و از همان جا محرم شود؛ و اگر توانایی بازگشت به مکه را نداشته باشد ولی برنگردد، حج او باطل خواهد بود. در صورتی که به سبب عذری مانند بیماری یا ترس و مانند آن، امکان بازگشت به مکه را نداشته باشد، باز هم حج او باطل است و واجب است در سال آینده حج را به جا آورد؛ البته می تواند به محل زندگی خود بازگردد و از همان جا برای انجام باقی اعمال حج محرم شود. علامه حلی نیز ترک عمدی احرام از مکه را همانند ترک وقوف در عرفات، سبب بطلان حج دانسته است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۹۰).

۶. نسیان در ترک احرام حج تمتع

چنانچه حاجی از روی نسیان، از مکه احرام نبندد، این امر به صحت حج

لطمه‌ای وارد نمی‌کند، ولی احکام خاص خود را دارد. نسیان احرام حج تمتع از مکّه سه حالت دارد:

۶-۱. نسیان احرام در مکّه تا عرفات

اگر حاجی فراموش کند که از مکّه احرام حج ببندد و سپس به عرفات برود و در آن جا به یاد آورد، در صورت امکان باید به مکّه بازگردد و احرام ببندد؛ اما اگر معذور از بازگشت باشد، باید در همان جا محرم شود و حج او صحیح است. در این مسئله اختلافی میان فقها وجود ندارد و روایات نیز بر آن دلالت دارند (قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۰۴).

از جمله، صحیح‌ه علی بن جعفر که می‌گوید: «وَعَنْهُ عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ فَذَكَرَ وَهُوَ بِعَرَفَاتٍ فَمَا حَالُهُ قَالَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُئْتُهُ نَبِيَّكَ، فَقَدْ تَمَّ إِحْرَامُهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۳۸).

علی بن جعفر می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره فردی که احرام حج را فراموش کرده بود و در حالی که در عرفات بود به یاد آورد، پرسیدم. حضرت فرمودند: بگو «خدایا، بر اساس کتاب تو و سنت پیامبرت»؛ پس احرام او کامل می‌شود.

طبق این روایت، اگر شخصی احرام را فراموش کند و به عرفات بیاید، اعمال گذشته‌اش بی‌اشکال است و پس از محرم شدن در عرفات، می‌تواند ادامه اعمال را انجام دهد.

۶-۲. نسیان احرام در مکّه تا مشعریا بعد از خروج از آن

اگر حج‌گزار احرام را فراموش کند و در مشعریا پس از خروج از آن به یاد آورد، دو نظریه وجود دارد:

الف) قول مشهور آن است که حج صحیح است و بر شخص لازم است در هر زمانی که به یاد آورد، احرام ببندد (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۳۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۷۲). دلیل آنان بر صحت چنین حجی، حدیث رفع است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۱۰)؛ زیرا این حدیث در مقام امتنان صادر شده و مقتضای امتنان، رفع قید بودن احرام از مکّه است. لازمه امتنانی بودن این است که

حرم و مکه برای احرام ناسی قید نباشد، بنابراین احرام اواز خارج مکه نیز صحیح است؛ چون مأمور به را مطابق واقع انجام داده است.

ب) در مقابل، برخی بر این باورند که چنین احرامی باطل است و ادله قول مشهور را مورد مناقشه قرار داده‌اند. به گفته صاحب مدارک، حدیث رفع متضمن رفع حکم است نه وضع و اثبات حکم، و رفع جزئیت و شرطیت تنها با رفع امر به صورت کلی امکان پذیر است (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۳۷).

به نظر می‌رسد دلیل قول مشهور قوی تر باشد؛ زیرا حکم وجوب احرام از مکه، در صورت علم و عمد جاری است و در صورت نسیان، قید مکان برداشته می‌شود، نه اصل احرام. بنابراین شخص ناسی که در عرفات یا مشعر محرم شده، حجش صحیح است.

۶-۳. نسیان احرام تا اتمام اعمال حج

اگر حج گزار پس از اتمام اعمال حج متوجه شود که اصلاً محرم نشده است، دو نظر میان فقها وجود دارد:

الف) قول مشهور این است که حج در این حالت صحیح است و قضای آن واجب نیست (گلبایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۶). دلایل این قول:

۱. حدیث رفع: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنِّسْيَانُ» (حلی،

۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۱۰؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۴۶۲). بر این اساس، هر چند اصل احرام واجب است، اما در صورت نسیان، وجوب آن به دلیل حدیث رفع برداشته می‌شود.

۲. با استمرار نسیان، بر حج گزار واجب است باقی ارکان را به جا آورد؛ زیرا قصد انجام حج را داشته، ولی احرام را فراموش کرده است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۱۰).

روایات نیز بر این معنا دلالت دارند؛ از جمله:

اول: مرسله جمیل بن دراج: «وَرَوَى جَمِيلٌ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ أَوْ جَهَلَ وَقَدْ شَهِدَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا وَطَافَ وَسَعَى قَالَ تُجْزِيهِ نَيْتُهُ إِذَا كَانَ قَدْ نَوَى ذَلِكَ وَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَإِنْ لَمْ يُهْلِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۵۷).

در این روایت، درباره شخصی که احرام را فراموش کرده یا نسبت به آن جاهل بوده و همه مناسک را انجام داده، از جمله طواف و سعی صفا و مروه، امام فرموده است:

نیت او کفایت می‌کند و حشش کامل است. منظور از نیت در این روایت، قصد انجام حج با تمام افعال آن است؛ از این روفقها نسیان احرام را در صورتی که قصد حج از ابتدا وجود داشته باشد، مبطل حج نمی‌دانند.

البته این حکم مربوط به جایی است که فرد از بازگشت معذور باشد؛ حتی اگر در عرفات به یاد آورد و نتواند بازگردد، باید همان جا محرم شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۷۶). برخی نیز گفته‌اند که گرچه روایت از نظر سندی ضعیف است، اما شهرت فتوایی ضعف سند را جبران می‌کند، بنابراین مفاد آن پذیرفتنی است و ترک افعال حج به سبب نسیان، موجب بطلان حج نمی‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷).

دوم: صحیحہ عبد الله بن سنان: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ مَرَّ عَلَى الْوَقْتِ الَّذِي يُحْرَمُ النَّاسُ مِنْهُ فَتَنَسَّى أَوْ جَهَلَ فَلَمْ يُحْرَمْ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحُجُّ فَقَالَ يُخْرَجُ مِنَ الْحَرَمِ وَيُحْرَمُ وَيُجْزِئُهُ ذَلِكَ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۲۴)

از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی پرسیدم که احرام را فراموش کرده یا از روی جهل انجام نداده بود تا این که وارد حرم شد و بیم آن داشت که در صورت بازگشت به میقات، حج از او فوت شود. امام فرمود: از حرم خارج شود و محرم گردد و همان کفایت می‌کند. چون ورود به مکه نیاز به محرم شدن دارد مگر برای کسانی که استثناء شده‌اند، و این شخص حتی برای عمره تمتع نیز احرام از میقات نداشته و جاهل بوده، باید از مکه بیرون برود و محرم شود. با توجه به این که مراد از «جهل» در این روایت، جهل مرکب است نه جهل بسیط، و جاهل مرکب غافل محض است و ناسی نیز غافل است، می‌توان گفت جاهل غافل از واقع و ناسی غافل از منسی می‌باشد. از لحاظ حکم، ناسی معذورتر از جاهل است، پس اگر در مورد جاهل حکم به صحت شود، در ناسی به طریق اولی چنین حکمی داده می‌شود. در نتیجه، الحاق ناسی به جاهل مانعی ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۳۰؛ گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۶)

ب) برخی قائل به بطلان حج با نسیان احرام شده و استدلال به حدیث رفع را تمام نمی‌دانند؛ زیرا مقتضای حدیث، رفع مؤاخذة و عقاب است نه رفع تمام احکام. علاوه بر این، امتثال نسبت به جزء منسی محقق نشده و کل نیز با عدم جزء،

معدوم می‌گردد. (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۳۷) ابن‌ادریس در مخالفت با مشهور، حکم به وجوب قضا در صورت نسیان احرام داده است، چراکه در این حالت عبادت به صورت خواسته شده امتثال نشده و همچنان بر عهده مکلف باقی است. دلیل او استناد به جمله «الأعمال بالنیات» (قمی، ۱۴۱۸ق، ۶۲؛ عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۶) است؛ زیرا اساس اعمال، نیت است و حاجی که احرام را فراموش کرده، نیت همه اعمال را نداشته، پس حج انجام شده به دلیل فقدان نیت احرام، باطل است. اما محقق حلی در استدلال ابن‌ادریس تردید کرده و فرموده است نیت احرام در تمام مناسک حج وجود دارد، زیرا فرد ناسی بر این باور بوده که قصد احرام دارد، اما انجام آن را فراموش کرده است. (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۱۰)

۷. احکام عالم، جاهل و ناسی به میقات

احرام بستن عمدی پیش از رسیدن به میقات صحیح نیست، مگر در دو مورد: یکی نذریا عهد و قسم، و دیگری کسی که بداند تا رسیدن به میقات، ماه رجب تمام خواهد شد؛ در این صورت جایز است پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد تا ثواب عمره رجبیه را درک کند (قمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱). برای مکلف جایز نیست عمداً بدون احرام از میقات بگذرد تا وارد مکه شود، مگر سه گروه:

۱. کسی که مکرراً از مکه به میقات رفت و آمد می‌کند؛
۲. کسی که به قصد جنگ داخل مکه می‌شود؛
۳. کسی که موقع گذشتن از میقات، قصد داخل شدن به مکه را ندارد (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۶).

به جز این سه مورد، اگر کسی فراموش کند، یا جاهل به مسئله باشد، یا جاهل به میقات باشد و نتواند به میقات برگردد، لازم نیست به میقات برگردد و احرام از «آدنی الحل» کفایت می‌کند (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۶).

مؤید این مطلب سه روایت صحیح است:

۱. صحیح حلی: «عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ قَالَ عَلَيْهِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ

الْحُجُّ أَحْرَمٌ مِنْ مَكَانِهِ وَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُخْرِجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيُخْرِجْ ثُمَّ لْيُحْرِمَ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۱۶۲)؛ مردی که فراموش کرده محرم شود و داخل حرم شده، امام فرمودند: پدرم گفت باید به میقات آن منطقه خارج شود و اگر بترسد حج از او فوت شود، از همان مکان محرم شود، ولی اگر بتواند از حرم خارج شود، باید خارج شود و سپس محرم شود.

۲. صحیح‌ه عبدالله بن سنان: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مَرَّ عَلَى الْوُقْتِ الَّذِي يُحْرَمُ النَّاسُ مِنْهُ فَتَنَسَّى أَوْ جَهَلَ فَلَمْ يُحْرِمْ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْوُقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحُجُّ فَقَالَ يُخْرِجُ مِنَ الْحَرَمِ وَيُحْرِمُ وَيُخْرِجُ ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۴۴)؛ مردی برمیقات عبور کرده و فراموش کرده یا از روی جهل محرم نشده تا این که وارد مکه شده است، سپس ترسیده که اگر به میقات برگردد، حج از او فوت شود. امام فرمودند: باید به خارج حرم برود و محرم شود و همین کفایت می‌کند. طبق این روایت، جاهل مانند ناسی است و در صورتی که وارد مکه شده و امکان برگشت به میقات ندارد، از همان مکان محرم می‌شود (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۶).

۳. صحیح‌ه معاویه بن عمار: «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعَ قَوْمٍ فَطَمِثَتْ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِمْ فَسَأَلْتُهُمْ فَقَالُوا مَا نَدْرِي أَعَلَيْكَ إِحْرَامٌ أَمْ لَا وَأَنْتِ حَائِضٌ فَتَرَكُوها حَتَّى دَخَلْتَ الْحَرَمَ فَقَالَ عليه السلام إِنْ كَانَ عَلَيْهَا مُهْلَةٌ فَتَرْجِعْ إِلَى الْوُقْتِ فَلْتُحْرِمَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا وَقْتُ فَلْتَرْجِعْ إِلَى مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ بِقَدَرِ مَا لَا يَفُوتُهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷۵)؛ زنی همراه قافله بود و حائض شد. از همراهان خود پرسید که آیا براوا حرام واجب است یا خیر، و آنان گفتند: نمی‌دانیم، در حالی که تو حائض هستی. پس آن زن راه‌ها کردند تا این که بدون احرام داخل حرم شد. امام عليه السلام فرمودند: اگر این زن فرصت دارد، باید به میقات برگردد و محرم شود، ولی اگر وقت ندارد، به اندازه‌ای که می‌تواند به خارج حرم برگردد و در آن جا محرم شود تا حج از او فوت نشود.

در نتیجه، شخص جاهلی که نتواند به میقات برگردد، احرام از «أدنى الحل»

کفایت می‌کند (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۶).

۸. حکم تأخیر و ترک احرام از میقات علماً، جهلاً یا نسیاناً

الف) اگر حج گزار عالماً از میقات بدون احرام عبور کند و امکان برگشت به میقات وجود داشته باشد، لازم است برگردد و از همان جا محرم شود و حج او صحیح است.

ب) اگر امکان برگشت دارد ولی برنگردد و بعد از میقات محرم شود، احرام او باطل و بقیه اعمال (حج یا عمره) نیز باطل خواهد بود.

ج) در صورتی که امکان برگشت نداشته و میقات دومی هم نباشد، در این که حج او چه حکمی دارد، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: صحت حج و ارتکاب معصیت در تأخیر احرام از میقات بر اساس این دیدگاه، حج گزار به دلیل تأخیر انداختن احرام از میقات از نظر تکلیفی مرتکب معصیت شده است، ولی از نظر وضعی، حج او صحیح است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸) و می تواند اعمال حج را ادامه دهد. استدلال این نظریه چنین است:

دلیل اول: امکان پذیر نبودن احرام از میقات هر چند احرام از میقات شرط صحت است، ولی این شرطیت در صورتی معتبر است که احرام از میقات ممکن باشد. اما اگر چنین امکانی برای فرد فراهم نباشد، احرام از «أدنی الحل» یا حتی احرام از حرم کفایت می کند و حج او صحیح خواهد بود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۵۹).

دلیل دوم: جمع بین روایات در خصوص تأخیر احرام از میقات، دو دسته روایت وجود دارد: دسته ای دلالت دارد بر این که بدون احرام از میقات، حج صحیح نیست؛ از جمله روایت «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ تَمَامَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَلَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۱۸)؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: تمام حج و عمره این است که از مواقیتی که رسول خدا صلى الله عليه وآله تعیین فرموده اند، تجاوز نکنید مگر این که محرم باشید.

دسته دیگر روایاتی است که می‌گوید اگر فرد فراموش کند از میقات محرم شود و امکان برگشت به میقات نداشته باشد، باید از «أدنی الحل» محرم شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۳۰).

راه جمع میان این دودسته روایت آن است که روایات دال بر لزوم احرام از میقات را بر فرض امکان برگشت به میقات حمل کنیم و روایات دال بر احرام از «أدنی الحل» را بر فرض تعدد برگشت به میقات تطبیق دهیم (نراقی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۵).

دلیل سوم: مقایسه ترک عمدی احرام با ترک عمدی وضو

ترک عمدی احرام از میقات همانند ترک عمدی وضو است؛ به این معنا که اگر نمازگزار عمداً وضو نگیرد تا زمانی که وقت نماز به پایان برسد و فقط فرصت تیمم داشته باشد و نماز را با تیمم بخواند، نماز او صحیح است هرچند مرتکب معصیت شده است. در این جا نیز اگر حج گزار عمداً احرام از میقات را به تأخیر اندازد و دیگر امکان برگشت به میقات نباشد، با احرام از حرم، حج او صحیح خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۲).

نظریه دوم: بطلان حج در ترک عمدی احرام از میقات و عدم امکان بازگشت برخی فقیهان بر این باورند که اگر احرام از میقات عمداً ترک شود و امکان بازگشت به میقات وجود نداشته باشد، حج آن سال باطل است و حج گزار باید در صورت استطاعت، آن را اعاده کند و با عدم استطاعت، اعاده لازم نیست (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۱۰). دلایل این نظریه عبارت‌اند از:

۱. بطلان حج با انتفاء شرط

روایات توقیت، دلالت بر شرطیت احرام از میقات دارند. وقتی مکلف، احرام از میقات را انجام ندهد و امکان بازگشت هم وجود نداشته باشد، از باب «إذا انتفی الشرط انتفی المشروط»، چون شرط حج - که محرم شدن از میقات است - انجام نگرفته، پس مشروط که خود حج باشد، باطل خواهد بود (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۸).

۲. دلالت صحیحۃ حلبی و کنانی

این دو صحیحۃ تصریح دارند که با ترک احرام از میقات از روی جهل و نسیان،

حج صحیح است؛ اما شامل ترک عمدی نمی شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۲۳ و ۳۲۵). بنابراین، ترک عمدی احرام از میقات موجب بطلان حج خواهد بود.

۳. تفاوت ترک عمدی وضو با ترک عمدی احرام

قیاس ترک عمدی وضو با ترک عمدی احرام از میقات صحیح نیست؛ زیرا اگر کسی عمداً وضو نگیرد، در آخر وقت بدل دارد و دلیل خاص بر بدلیت تیمم از وضو دلالت می کند، اما در احرام هیچ دلیل خاصی وجود ندارد که بر بدلیت احرام از «أدنی الحل» یا مکان دیگر از احرام میقات دلالت کند (لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۱۳).

نتیجه گیری

- برای محرم شدن در عمره تمتع و مفرده باید علم یا اطمینان به میقات داشته باشد؛ لذا اگر حاجی بدون عذری نذر، پیش یا پس از میقات محرم شود، احرام او مجزی نیست.

- اگر حاجی جاهل یا ناسی به حکم و موضوع باشد و از غیر میقات محرم گردد، صحت چنین احرامی محل خلاف است. نسیان احرام در صورتی مبطل حج نیست که قصد انجام آن را از ابتدا داشته باشد.

- رفع حکم در مورد جهل، رفع ظاهری و در مورد نسیان، رفع واقعی است؛ براین اساس، وقتی صحت حکم در مورد جهل ثابت است، در مورد نسیان به طریق اولی ثابت خواهد بود. در حقیقت، مستفاد از ادله، وجود عذر است؛ خواه مستند به جهل باشد یا از روی نسیان واقع شده باشد.

- احرام بستن پیش از میقات در دو مورد صحیح است: یکی نذریا عهد یا قسم، و دیگری کسی که بخواهد عمره مفرده را در ماه رجب به جا آورد و در صورت صبر کردن تا رسیدن به میقات، ماه رجب تمام شود؛ در این حالت، جایز است پیش از رسیدن به میقات محرم گردد تا ثواب عمره رجبیه را درک کند.

- هرگاه عمره گزار بداند میقات کجاست و عالماً و عامداً احرام را ترک کند، عمره او باطل می شود؛ ولی اگر از روی جهل یا نسیان احرام را ترک کند و امکان بازگشت به میقات باشد، باید برگردد؛ و در صورتی که امکان بازگشت نباشد و داخل حرم نشده باشد، از همان جا محرم شود؛ و اگر داخل حرم شده باشد، چنانچه به اعمال

- عمره یا حج تمتع می‌رسد، باید از حرم خارج گردد و از نزدیک‌ترین محل به میقات محرم شود؛ و اگر این نیز مقدور نباشد، از همان جایی که متذکر شده محرم گردد.
- احرام حج تمتع از شهر مکه مکرمه انجام می‌شود؛ علم، جهل و نسیان در احرام از میقات و عبور از آن، مؤثر در حکم است.
- حج گزار یا عمره گزار برای ورود به مکه، باید محرم شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم، چاپ اول.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی شیخ صدوق. (۱۴۱۸ق). *الهدایة فی الأصول والفروع*. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ اول.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی شیخ صدوق. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: چاپ دوم.
۵. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). *الوسیلة إلى نیل الفضیلة*. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.
۶. ابن حثون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. قم: چاپ دوم.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: چاپ اول.
۸. ابن منظور، ابوالفضل. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۹. احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*. قم: چاپ اول.
۱۰. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۱. افتخاری گلپایگانی، علی. (۱۴۲۸ق). *آراء المراجع فی الحج*. قم: نشر مشعر، چاپ دوم.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۰ق). *کتاب المکاسب (المحشی)*. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، چاپ سوم.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۳ق). *التهذیب فی مناسک العمرة والحج*. قم: دارالتفسیر، چاپ اول.
۱۴. جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۲۵ق). *کتاب التعریفات*. بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). *الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربية*. بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)*. قم: چاپ اول.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. *وسائل الشیعة*. قم: چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام*. مشهد: چاپ اول.
۱۹. حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). *مستمسک العروة الوثقی*. قم: مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول.
۲۰. حکیم، سید محسن. (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین (المحشی)*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۲۱. حلی، ابن ادریس. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۲. حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سید الشهداء علیهم السلام، چاپ اول.
۲۳. حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۹۸۲م). *نهج الحق وکشف الصدق*. بیروت: چاپ اول.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۳۷ق). *بحوث فی شرح مناسک الحج*. مقرر: سید محمدرضا سیستانی. بیروت: دارالمؤرخ العربی، چاپ دوم.
۲۷. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). *معتمد العروة الوثقی*. قم: منشورات مدرسة دارالعلم - لطفی، چاپ دوم.
۲۸. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره)، چاپ اول.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش). *مفردات ألفاظ القرآن*. تهران: چاپ دوم.
۳۰. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق علیه السلام*. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۳۱. روحانی، سید محمد. (۱۴۱۹ق). *المرتقى إلى الفقه الأرقى - کتاب الحج*. تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیة (دارالجلیل)، چاپ اول.
۳۲. سبجانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۴ق). *الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۳۳. سبزواری، سید عبدالأعلی. (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحکام*. قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله، چاپ چهارم.
۳۴. سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز. (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویة والأحكام النبویة*. قم: منشورات الحرمین، چاپ اول.
۳۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۳ق). *فقه الحج*. قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها، چاپ دوم.
۳۶. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل (ط - الحدیث)*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.

- ۸۷ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ش ۷
۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). *المبسوط في فقه الإمامية*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى*. بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ دوم.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذيب الأحكام* (تحقیق خراسان). تهران: چاپ چهارم.
۴۰. عاملی، زین الدین بن علی شهید ثانی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
۴۱. عاملی ترحینی، سید محمد حسین. (۱۴۲۷ق). *الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية*. قم: دار الفقه للطباعة والنشر، چاپ چهارم.
۴۲. عاملی، محمد بن حسین. (۱۴۰۸ق). *مشرق الشمسین واکسیر السعادتین*. با تعلیقات الخواجونی. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ دوم.
۴۳. عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). *مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*. بيروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
۴۴. عاملی، محمد بن مکی شهید اول. (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴۵. عاملی، میرسید احمد علوی. *مناهج الأخيار فی شرح الاستبصار*. قم: مؤسسة اسماعیلیان، چاپ اول.
۴۶. عریضی، علی بن جعفر عليه السلام. (۱۴۰۹ق). *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: بی نا، چاپ دوم.
۴۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام، چاپ اول.
۴۹. قمی طباطبائی، سید حسن. (۱۴۱۵ق). *کتاب الحج*. قم: مطبعة باقری، چاپ اول.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (ط - الإسلامية). تهران: بی نا، چاپ چهارم.
۵۱. گلبایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۰۳ق). *کتاب الحج*. قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۵۲. لنکرانی، محمد فاضل. (۱۴۱۸ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الحج*. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۵۳. مازندرانی خاتون آبادی، (محمد) اسماعیل خواجویی. (۱۴۱۳ق). *الفوائد الرجالية*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.
۵۴. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۶ق). *ملاذ الأخيار فی فهم تهذيب الأخبار*. قم: بی نا، چاپ اول.
۵۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: بی نا، چاپ دوم.
۵۶. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۵۷. محمود، عبدالرحمان. (بی تا). *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*. بی نا.

۵۸. محمودی، محمدرضا. (۱۴۲۹ق). مناسک حج (محتسبی). تهران: بی نا، چاپ اول.
۵۹. مشکینی، میرزا علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. بی نا.
۶۰. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت - قاهره - لندن: بی نا، چاپ سوم.
۶۱. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). القواعد - مائة قاعدة فقهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.
۶۲. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام. قم: مؤسسه انصاریان، چاپ دوم.
۶۳. ملکی اصفهانی، مجتبی. (۱۳۷۹ش). فرهنگ اصطلاحات اصول. قم: نشر عالمه، چاپ اول.
۶۴. موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
۶۵. موسوی، سید صمد علی. (۱۳۹۲ق). القواعد الفقهية فی کتاب تفصیل الشریعة. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول.
۶۶. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی. (بی تا). فرهنگ فقه فارسی. بی نا.
۶۷. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۶۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی احکام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۶۹. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول.
۷۰. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.